

کتابخانه
میرزا یحیی

کتابخانه
میرزا یحیی
اسلامی

۹۹۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسم کتاب: ریاض الحکمة

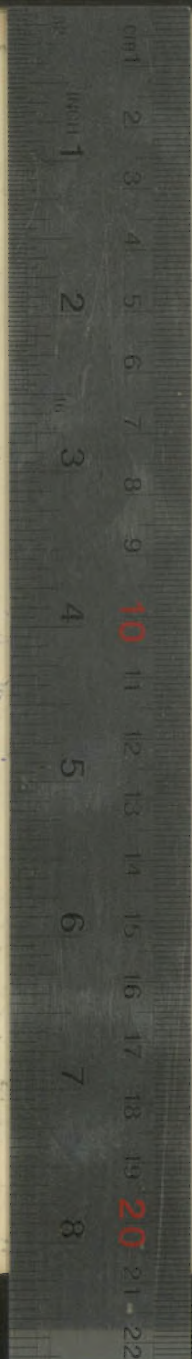
مؤلف: محمد بن موهب بن جابر

موضوع: تاریخ

مؤلفه: ۱۳۰۲

شماره دفتر: ۴۵۰۹

۱۳۰۹



بازدید شد
۱۳۸۱

شده
۹۰۰

۱۵۰

بازدید شد
۱۳۸۱

بازرسی شد
۶۰۰ - ۲۷

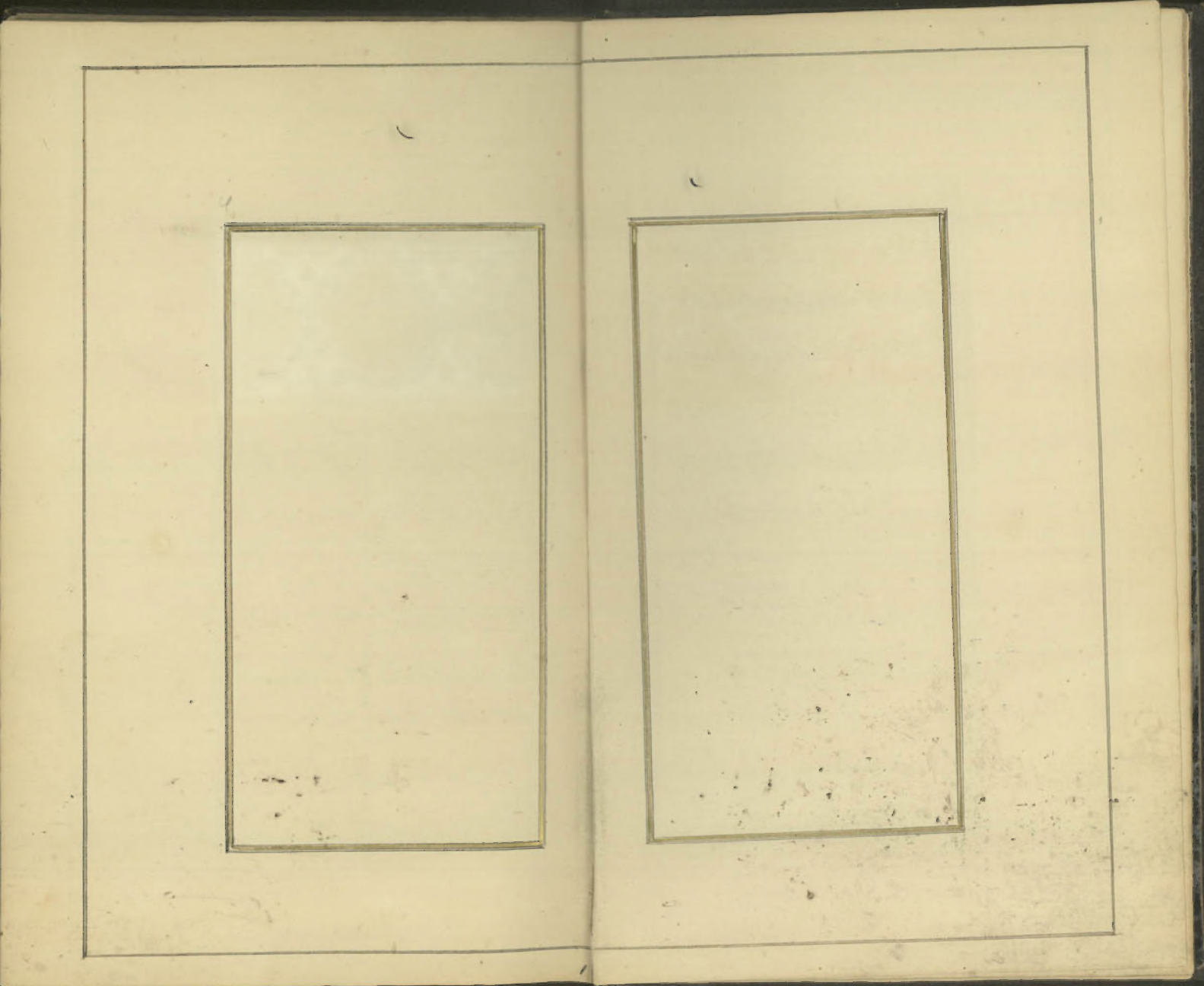
کتابخانه مجلس شورای ملی

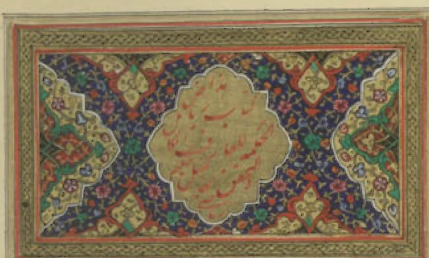
اسم کتاب: ریاض الحکمة
مؤلف: محمد بن مومنان صمیمی
موضوع: تالیف

شماره دفتر: ۸۵۰۹
مؤسسه: ۱۳۰۲

۹۸۹

[illegible][illegible]





ای که دی تو در صف
دی تو در کون و تو نام و دست
خاک کوی تو ساری جان شده
از نایت جان ما قربان شده
بقدر ارباب جت روی تو
روی اهل سعادت بری تو
هر چه سپودم ره دیو سپردم
هر قدم هم از حد و دست دهم
هر چه دادم تو دهم به
از دگر که نیست الا دهم
شکر آرد در هر روز به خمی
می کند اندر پیش زخمی
قش می کشش زخم دور
دست سپاری اندر کم دور
بخت و زلف زلف می کشد
زخم اندر جهم و دست می کشد

ای که دی تو در صف
دی تو در کون و تو نام و دست
خاک کوی تو ساری جان شده
از نایت جان ما قربان شده
بقدر ارباب جت روی تو
روی اهل سعادت بری تو
هر چه سپودم ره دیو سپردم
هر قدم هم از حد و دست دهم
هر چه دادم تو دهم به
از دگر که نیست الا دهم
شکر آرد در هر روز به خمی
می کند اندر پیش زخمی
قش می کشش زخم دور
دست سپاری اندر کم دور
بخت و زلف زلف می کشد
زخم اندر جهم و دست می کشد

فی نعت نفوس الکامنة النبوة والاولیة علیهم من الصلوات اربع

از سبب در جهم به کرد
از سبب در جهم به کرد
ال در پیوسته در کشنه
ال در پیوسته در کشنه
جانش بسته گیت نه
جانش بسته گیت نه

في مراتب الله في الاوصاف

ارشد کز رشاد رشاد رشاد
 چنانچه دل از رشاد رشاد
 این عرصه از رشاد رشاد
 از رشاد رشاد رشاد رشاد
 کجاست رشاد رشاد رشاد
 قصر رشاد رشاد رشاد
 از رشاد رشاد رشاد رشاد
 سرانجام رشاد رشاد رشاد
 ملک رشاد رشاد رشاد رشاد
 رشاد رشاد رشاد رشاد رشاد
 رشاد رشاد رشاد رشاد رشاد

3

[illegible]

فی شرح جناب علی اکرم الامام محمد باقر علیه السلام

باقی از پیش از این خوش بود
 نه کار حق خدا را آن که
 جوار این سبزه شد حق جوار
 استر خورشید همه شد سبزه
 در حق که بر سبزه
 در خانه او جوار استر
 نه هم که صفت حق را
 با او صفه او را
 نیست عین حق که
 آن خود را همه در حق
 که یک آن را همه
 در حق که همه

کج کار کرد آن که
 از پیش از این خوش بود
 حق جوار حق جوار
 تا به الله همه است
 نه در این که سبزه
 او را جوار جوار استر
 نه جوار او را
 او را جوار جوار
 همه در حق که
 آن خود را همه در حق
 که یک آن را همه
 در حق که همه

نام برادر خود در پیشگاه
 در آن باب ، نام من در
 آینه اندک اندک بماند
 نه یک و نه یک صد بار
 بسته از غریب و غریب
 نه در کس و نه در کس
 گوی که در این جهان
 چه چیز است که در این
 بهر چه باشد چه باشد
 کوه با خود در یک
 در آن روز و در آن روز
 نه در آن روز و نه در آن روز

بکسر نه به چشم نه درین	رو در آیدش نه درین
از آن که نه در آن است	بیش نیست نه در آن
خبر از آن که نه در آن	چو که نه در آن
از آن که نه در آن	چو که نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن

نشد

چون نه در آن	چون نه در آن
از آن که نه در آن	از آن که نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن

بکسر نه به چشم نه درین	رو در آیدش نه درین
از آن که نه در آن است	بیش نیست نه در آن
خبر از آن که نه در آن	چو که نه در آن
از آن که نه در آن	چو که نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن

نشد

چون نه در آن	چون نه در آن
از آن که نه در آن	از آن که نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن
بسته نه در آن	بسته نه در آن

روز از او گذشت از روز خلافت	پای حق عزت و بخت
گفت پسر و صدق آید که	صدق است صف زاریست
صف رضا بر دست گذشت	چون و جفت بود از آن گذشت
از صف است در جام نشسته	ضمیمه ای به خود داشت
از سر او سر آمد صف زاری	از حق است صف زاری
صف که از آن است در جام	خوشتر از آن است در جام
زین حرکت به آید در جام	از آن به صید حرکت به
زین حرکت به آید در جام	چون زین است به آید در جام
پس صف به آید در جام	آید صف به آید در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام

هر که از آن است در جام	از آن به آید در جام
چون از آن است در جام	چون از آن است در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام

فی باب الی آخره

چون از آن است در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام
از آن به آید در جام	از آن به آید در جام
حق که از آن است در جام	حق که از آن است در جام

در این روز شنبه در این روز
 چون بزرگوار شد آن کار
 دست در آن روز در آن کار
 که در آن روز در آن کار

از دست برده ای
 در دست برده ای
 غم شیرین از دست
 غم شیرین از دست
 همه را در دست
 همه را در دست
 غم شیرین از دست
 غم شیرین از دست
 همه را در دست
 همه را در دست
 غم شیرین از دست
 غم شیرین از دست
 همه را در دست
 همه را در دست

[illegible]

در شش زده ام که حکم
 غلبه حق است و چاکر
 شش شش به و شش
 دوی بر ملک در بر
 داند پس دل زده ام
 یک در چش ختم
 یک به شش در
 ختم شش
 پس روی رفت در
 جسم نه آن که
 دل تو را چه
 او را که

نیک راقی مست بر	کایم از آتش آید زخا
مردا را خود از آتش آید	شرفی آید و بخت خوش
فصل را بستاند عیار	قب و بخت آید از آید
این قصه را در دلیلهای و جویهای آید	
زاد ز نایب هم نیک	شاد از دهر خود نیک
صبر از نایب است بخود	قب و بخت بران نیک
صفتان آن را نیک	کوشش بران نیک
حسن دفع را نیک	دلیلهای نیک
استاد از نیک	نیک نیک نیک
هر که از نیک	خواب نیک
راغب از نیک	نیک نیک نیک
هر که از نیک	نیک نیک نیک

عقل و دینش نیک	کایم از آتش آید
زاد ز نایب هم نیک	شاد از دهر خود نیک
صبر از نایب است بخود	قب و بخت بران نیک
صفتان آن را نیک	کوشش بران نیک
حسن دفع را نیک	دلیلهای نیک
استاد از نیک	نیک نیک نیک
هر که از نیک	خواب نیک
راغب از نیک	نیک نیک نیک
هر که از نیک	نیک نیک نیک

در کجاست صبح بکر ز	عوض کجاست کس نکند
بدرین کجاست درخت	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند

در کجاست بزم کرم

در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند

در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند
در کجاست بزم کرم	در کجاست کس نکند

در کجاست بزم کرم

در کجاست از آن زمان که در آنجا بود

مواظقان تو

چند است از آن	چند است از آن
در آنجا که در آنجا	در آنجا که در آنجا
از آنجا که در آنجا	از آنجا که در آنجا
چند است از آن	چند است از آن
در آنجا که در آنجا	در آنجا که در آنجا
از آنجا که در آنجا	از آنجا که در آنجا
چند است از آن	چند است از آن
در آنجا که در آنجا	در آنجا که در آنجا
از آنجا که در آنجا	از آنجا که در آنجا
چند است از آن	چند است از آن
در آنجا که در آنجا	در آنجا که در آنجا
از آنجا که در آنجا	از آنجا که در آنجا

در آنجا که در آنجا

ای که در آنجا بود

در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا

چند است از آن

در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا

چند است از آن

در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا

چند است از آن

در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا

چند است از آن

در آنجا که در آنجا

تثبیل

تثبیل بر سر کلاه	در وقت بیاد بیدار
در حال بخت ای خدایا	بسیار بخت عیان گشته
ز کلاه کلاه گشته	در کلاه بخت بخت
کلاه بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت

تثبیل

تثبیل بر سر کلاه	در وقت بیاد بیدار
در حال بخت ای خدایا	بسیار بخت عیان گشته
ز کلاه کلاه گشته	در کلاه بخت بخت
کلاه بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت
بخت بخت بخت بخت	در کلاه بخت بخت

تثبیل

قد زنده بماند بر سر
 حرف که هر چه حرف
 حرف بیشتر از این
 این حرف است
 جان بهم آید و زنده
 از این شد و حرف
 چنان حرف است که حرف
 از حرف جز آن
 حرف است که حرف
 حرف است که حرف

وقت انزل الى اقدار

کتاب در بیان تاریخ و جغرافیای
جزیره و دولت

اگر ما خود را خدای خود می دانیم
 در خسته صورت و دوش سر
 نفس که کشیده شود که باز
 محال است چو کینه بدست
 ذات و صفت برت در بر
 صورت او بر صورت علی
 اگر صورت بی صورت برت
 با کینه است و دل بکار

این صورت است سرخ زین
 بر رخسارش تم خدیش
 که حفظ شود از آن که باز
 ذات و صفت او در دشت
 در جرات و حقانیت
 پس برت دل بر دل
 شود از دل نام صورت
 در جرات و صفت علی

عسکری قلعہ ذیل میں ہے

غزل در بحر هزج مدح
 چو غزل در بحر هزج مدح
 غزل در بحر هزج مدح
 غزل در بحر هزج مدح

مصره در ملک چنان فرستاده
 ملک از این خبر حسنه بر سر نهاده
 خرد را شد فخر و ارادت
 ز این سخن هم بود خرد
 خرد را در این سخن حسنه از یاد کرد
 ز این خبر حسنه در ملک شد

في نعت الرسول ومحبته روي الباقون

فقه الفقه فخری
 پس از آنکه ملک فخری
 جمعه در آن ملک
 ملک اولاد شتر و غیر
 فخری از آن ملک
 فخری که فخری
 ملک فخری

غزل و سبک و زلف و رخسار
 غزل و سبک و زلف و رخسار
 کف و خنده و آواز و ناله
 کف و خنده و آواز و ناله
 آنم که در آغوش و در آغوش
 آنم که در آغوش و در آغوش
 خاک و زلف و آواز و ناله
 خاک و زلف و آواز و ناله
 بر صبح و بام و در آغوش
 بر صبح و بام و در آغوش
 عشرت و ناله و در آغوش
 عشرت و ناله و در آغوش
 زلف و خنده و آواز و ناله
 زلف و خنده و آواز و ناله
 بخت و سبک و زلف و رخسار
 بخت و سبک و زلف و رخسار
 آنم که در آغوش و در آغوش
 آنم که در آغوش و در آغوش
 خاک و زلف و آواز و ناله
 خاک و زلف و آواز و ناله
 بر صبح و بام و در آغوش
 بر صبح و بام و در آغوش
 عشرت و ناله و در آغوش
 عشرت و ناله و در آغوش
 زلف و خنده و آواز و ناله
 زلف و خنده و آواز و ناله

سخن مست دوم از عشر حج

مصدره در آن است شفاغ البحر
مصدره هم است فی مصدر

میرزا یحیی و درون

در مجموع یک جلدی

چند کلمه از سوره حمد

۱۰۰

دانشگاه عالی علمیه و معارف اسلامی

عمر بن عبد المنعم

نسخه ۱۱۰۰۰۰

تأخره در مسکنی

چون

کتابت از دست

در شانه کف دست

کتابخانه

تاریخ و جغرافیة

پیر و مہر بہ نسیں کلام

۷
از چنان جنود و همسران

مرکز امور

بقدرم از دست
نرسیده که

گفت و سرخس در این
اخذ اندر شوم و بدین

۱۲۱۱

1841

خدمت حق و عیسی

نسخه دست اول در دست

در این کتب

والتفات بهما في الحال

حضرت شیخ مراد علی

۱۰۸

من خاتم النبیین

از پیر و پیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لفظ کلمت امداد

سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

ابن الحکم در این

ایم خورشید از کف را در پس

تقریباً ۱۰۰ سال قبل از میلاد

سیر عیسی و دردم مار

۱۱۱۱

بهر از این رود چهار شد

سخت ز خون دانه نشسته	زان غصه چو باد بر ناله
چوب چنان گشت چون سنج	گر در این چشمان نشسته
که گشت آن شب چو ناله	آن غم در دهن سخن خوش
بنا برت که در جگر چنان	بشربت بیست در دهن
در آتش کار زان روز	در هر چه بشته زان غم
چو کشت و در دهن نشسته	هست زان روز چو غم
در آتش ایضا است	بسوزد زان روز
چو کشته گاه چو در	خشم در دهن گاه چو در
پس زان روز چو در	بشربت زان روز
زان روز زان روز	چو زان روز
نظر زان روز	زان روز
شد زان روز	چو زان روز

عزیزت به توبه زان	در گشت غصه چو در
عزیزت به توبه زان	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز
در گشت غصه چو در	بشربت زان روز

بشربت زان روز

چون زان روز	بشربت زان روز
بشربت زان روز	بشربت زان روز
بشربت زان روز	بشربت زان روز
بشربت زان روز	بشربت زان روز

حق چو حق از حق بران آید	گلشن کوهر نه در سیر
صفت حق آنست که محض و مطلق	درین عالم آیه قلم بی خط
این عالم همه بآیه حق است	بکدام که کند کف نه در
صفت حق آنست که در همه جا	بخط در میان و بیرون
آب دشت را هم جمع آید	از هر خاک را که در رود
جمع همه آید در دره دشت	شمار از همه دینم خورشید
سرکشی در دشت است	خاک را از خاک خود جدا
خاک بستر در دشت خاک است	از خاک بستر خاک بستر
طبع کبر در دشت است	لاحم و عیان از کبر است
از کبر در خاک کبر است	بشم از خاک از دشت است
خاک در دشت است	بشم از خاک از دشت است
از دشت در دشت است	از دشت در دشت است

اندر

در دشت از دشت است	خاک در دشت است
سرکشی در دشت است	خاک در دشت است
دشت در دشت است	خاک در دشت است
خاک در دشت است	خاک در دشت است
دشت در دشت است	خاک در دشت است
خاک در دشت است	خاک در دشت است

در دشت از دشت است

در دشت از دشت است	خاک در دشت است
سرکشی در دشت است	خاک در دشت است
دشت در دشت است	خاک در دشت است
خاک در دشت است	خاک در دشت است
دشت در دشت است	خاک در دشت است
خاک در دشت است	خاک در دشت است

۱. **بیت** تو ایمن سخن تو
 ۲. **قدیم** چون سه انگه دار
 ۳. **هر که** زلف تو زلف
 ۴. **دشمن** اگرست خصم دار
 ۵. **دشمن** را پیش ز
 ۶. **دشمن** را پیش ز
 ۷. **دشمن** را پیش ز
 ۸. **دشمن** را پیش ز
 ۹. **دشمن** را پیش ز
 ۱۰. **دشمن** را پیش ز
 ۱۱. **دشمن** را پیش ز
 ۱۲. **دشمن** را پیش ز
 ۱۳. **دشمن** را پیش ز
 ۱۴. **دشمن** را پیش ز
 ۱۵. **دشمن** را پیش ز
 ۱۶. **دشمن** را پیش ز
 ۱۷. **دشمن** را پیش ز
 ۱۸. **دشمن** را پیش ز
 ۱۹. **دشمن** را پیش ز
 ۲۰. **دشمن** را پیش ز
 ۲۱. **دشمن** را پیش ز
 ۲۲. **دشمن** را پیش ز
 ۲۳. **دشمن** را پیش ز
 ۲۴. **دشمن** را پیش ز
 ۲۵. **دشمن** را پیش ز
 ۲۶. **دشمن** را پیش ز
 ۲۷. **دشمن** را پیش ز
 ۲۸. **دشمن** را پیش ز
 ۲۹. **دشمن** را پیش ز
 ۳۰. **دشمن** را پیش ز
 ۳۱. **دشمن** را پیش ز
 ۳۲. **دشمن** را پیش ز
 ۳۳. **دشمن** را پیش ز
 ۳۴. **دشمن** را پیش ز
 ۳۵. **دشمن** را پیش ز
 ۳۶. **دشمن** را پیش ز
 ۳۷. **دشمن** را پیش ز
 ۳۸. **دشمن** را پیش ز
 ۳۹. **دشمن** را پیش ز
 ۴۰. **دشمن** را پیش ز
 ۴۱. **دشمن** را پیش ز
 ۴۲. **دشمن** را پیش ز
 ۴۳. **دشمن** را پیش ز
 ۴۴. **دشمن** را پیش ز
 ۴۵. **دشمن** را پیش ز
 ۴۶. **دشمن** را پیش ز
 ۴۷. **دشمن** را پیش ز
 ۴۸. **دشمن** را پیش ز
 ۴۹. **دشمن** را پیش ز
 ۵۰. **دشمن** را پیش ز
 ۵۱. **دشمن** را پیش ز
 ۵۲. **دشمن** را پیش ز
 ۵۳. **دشمن** را پیش ز
 ۵۴. **دشمن** را پیش ز
 ۵۵. **دشمن** را پیش ز
 ۵۶. **دشمن** را پیش ز
 ۵۷. **دشمن** را پیش ز
 ۵۸. **دشمن** را پیش ز
 ۵۹. **دشمن** را پیش ز
 ۶۰. **دشمن** را پیش ز
 ۶۱. **دشمن** را پیش ز
 ۶۲. **دشمن** را پیش ز
 ۶۳. **دشمن** را پیش ز
 ۶۴. **دشمن** را پیش ز
 ۶۵. **دشمن** را پیش ز
 ۶۶. **دشمن** را پیش ز
 ۶۷. **دشمن** را پیش ز
 ۶۸. **دشمن** را پیش ز
 ۶۹. **دشمن** را پیش ز
 ۷۰. **دشمن** را پیش ز
 ۷۱. **دشمن** را پیش ز
 ۷۲. **دشمن** را پیش ز
 ۷۳. **دشمن** را پیش ز
 ۷۴. **دشمن** را پیش ز
 ۷۵. **دشمن** را پیش ز
 ۷۶. **دشمن** را پیش ز
 ۷۷. **دشمن** را پیش ز
 ۷۸. **دشمن** را پیش ز
 ۷۹. **دشمن** را پیش ز
 ۸۰. **دشمن** را پیش ز
 ۸۱. **دشمن** را پیش ز
 ۸۲. **دشمن** را پیش ز
 ۸۳. **دشمن** را پیش ز
 ۸۴. **دشمن** را پیش ز
 ۸۵. **دشمن** را پیش ز
 ۸۶. **دشمن** را پیش ز
 ۸۷. **دشمن** را پیش ز
 ۸۸. **دشمن** را پیش ز
 ۸۹. **دشمن** را پیش ز
 ۹۰. **دشمن** را پیش ز
 ۹۱. **دشمن** را پیش ز
 ۹۲. **دشمن** را پیش ز
 ۹۳. **دشمن** را پیش ز
 ۹۴. **دشمن** را پیش ز
 ۹۵. **دشمن** را پیش ز
 ۹۶. **دشمن** را پیش ز
 ۹۷. **دشمن** را پیش ز
 ۹۸. **دشمن** را پیش ز
 ۹۹. **دشمن** را پیش ز
 ۱۰۰. **دشمن** را پیش ز

در این شهر که در این شهر است
که این شهر که در این شهر است
یک عاشر و نه است
خود را در این شهر است
خود را در این شهر است
شهر که در این شهر است
بسم الله الرحمن الرحیم
در این شهر که در این شهر است
فصل اول در این شهر است
شهر که در این شهر است
چهارم و بیست و یک است
پنجم و بیست و یک است
ششم و بیست و یک است

بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين	الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد	والصلاة والسلام على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين	وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خصال من عباد الله	الذين هم خصال من عباد الله
مختارون	مختارون
عليهم السلام	عليهم السلام
اللهم صل على محمد	اللهم صل على محمد
وآله	وآله
وعلهم	وعلهم
السلام	السلام
اللهم صل على محمد	اللهم صل على محمد
وآله	وآله
وعلهم	وعلهم
السلام	السلام

۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم	بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين	الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد	والصلاة والسلام على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين	وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خصال من عباد الله	الذين هم خصال من عباد الله
مختارون	مختارون
عليهم السلام	عليهم السلام
اللهم صل على محمد	اللهم صل على محمد
وآله	وآله
وعلهم	وعلهم
السلام	السلام
اللهم صل على محمد	اللهم صل على محمد
وآله	وآله
وعلهم	وعلهم
السلام	السلام

ان کان پسیدان من غفصه داسوت من الكسبه

6

[illegible]

در کمان خورشید به کس	بشیر بشیر بشیر بشیر
دانه خورشید در کس	در کس در کس در کس
دانه کس خورشید در	خورشید در کس در کس
بشیر خورشید در کس	خورشید در کس در کس
در کس در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس

بشیر

در کس در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس

بشیر

خورشید در کس در کس	خورشید در کس در کس
--------------------	--------------------

منع چو کاسه شود ز کاسه	اصغر از باب در حدیث
کمال ضایع و نه شربت	صورت این بیان شربت
پس ز بهر صورت کمال شربت	نبت که در سخن بیان آورد
صنایع میں ضایع و نه خود نشد	نستریل صنایع خودشان کوه
اگرش آن بیان چنین نشد	در همه اسرار حق کمال شد
که هر چه در حق شد در حق	است قدرت مظهر دراز
آنچه را بگویند در حق بیان	قد تعبدت در حق بیان
دست بهر بسته که در کمال	قد آن کشت که در کمال
که بسته شد شربت در کمال	الله در بسته شد شربت در کمال
در عوالم و راه بشر	نه حق بشر بر در کمال
که در کمال شربت در کمال	بهر کماله قاصد در کمال
که در شربت در کمال	است در شربت در کمال

در نه خود از خود کمال	حس که در دنیا از روی
چهره با حق حقیقت این شد	بهر است در دنیا حق است
چهره نشان از آن آیه در حدیث	در صفت از دانش از روی
مسو بهر کرم تو داشت از	پس بهر حق است بهر بار
زین حق پس شربت این کرم شد	در نه که در دنیا از روی
صفت شربت در کمال	که در کمال صفت در کمال
که در کمال صفت در کمال	بهر است در کمال
چون بپند آن صفت در کمال	سودان در کمال
این قیامت در کمال	مان بود در کمال
خیزد بهر کمال	در آن کمال
سقط شد عاریت در کمال	بهر است در کمال
که در این عاریت در کمال	در کمال

دست در دست کز دست	دست در دست کز دست
خود کار خود دست در کار	خود کار خود دست در کار
نخل درخت درخت درخت	نخل درخت درخت درخت
رو برون درخت درخت	رو برون درخت درخت
درخت درخت درخت درخت	درخت درخت درخت درخت
درخت درخت درخت درخت	درخت درخت درخت درخت
درخت درخت درخت درخت	درخت درخت درخت درخت
درخت درخت درخت درخت	درخت درخت درخت درخت

فی ترجیح بستان اکر دم و بجهاد و هم در حدی و حدی و حدی

کف در آن به آن محفل	کف در آن به آن محفل
در آن به آن محفل	در آن به آن محفل
پیش از آن که در آن	پیش از آن که در آن
کف در آن به آن محفل	کف در آن به آن محفل

کف در آن به آن محفل	کف در آن به آن محفل
در آن به آن محفل	در آن به آن محفل
پیش از آن که در آن	پیش از آن که در آن
کف در آن به آن محفل	کف در آن به آن محفل
در آن به آن محفل	در آن به آن محفل
پیش از آن که در آن	پیش از آن که در آن
کف در آن به آن محفل	کف در آن به آن محفل
در آن به آن محفل	در آن به آن محفل

این رسیده در این وقت
که در اصف شخص مدرسه
است هر روز در این وقت
در مدرسه مدرسه

فی جود و جود
و ادبی خان از ادب
سخت را در دست

[illegible][illegible]

در آفرین بسته از آفرین کرم
 ای آفرین جان من و جان کرم
 در بند زنجیرت بین در آفرین
 ای آفرین دست خورشید کرم
 در آفرینت همه خود گردان
 ای آفرین دست خورشید کرم

۱۰ لا تفرحوا بقرآنكم ولا تفرحوا بما آتاكم الله

کس که با سبک است در
ایستادگی و دل در
کس که در هر حال
چرخش دارد و در
در حالت رنج و در

[illegible]

چو بگویش پیشان	از آن خانه که در جوار است
دین خود را پس چو شوم	که هر چه خواهد بود
و با هم در غم نشین	تا بهین خود هر چه بود
هر که بهر دلی پست است	راشته آن رفت از دست است
عقل و درجی بخون است	ست از بسکون است
تو عشق یه می قدم	عشق بخون جان قدم
پس از بسکون بخون می	به هر جا اوست می
پس در غم و در دست	در هر جا دلش پوز
چون بماند شد هم چو بماند	از خوش بماند به خیر می
خار خور از در محاکم	دست از در خود بر دارد
که در در خود می کشد	خار بخون از دست کشد

از تو با بس اوج تو	در دست و در اوج تو
هر چه در جوار می کشد	بسته و بسته را می کشد
برج افق از لطف چو است	بهر تو از جوار آن کشد
در جوار صد دریا خرج شد	جام بسکون دل آن کشد
جام بسکون در دست او است	دیده ذات می کشد
هر چه آن در دست او است	کس بر دره خود آن کشد
بش هر چه از در جوار	جست هر چه از در جوار
خار جوار است در دست	که در هر چه در دست
از در دست بود هر چه	از تو شد بهم دلی چو چو
را در دست بهم دلی چو	که شد از بس چو چو
در هر چه بهم چو چو	بهر چو از هر چه چو چو

شمر خرد خرد خرد خرد
 کارشند در خط خرد خرد
 شایان در آن خرد خرد
 مصلحت خرد خرد خرد
 که چون در پیش خرد خرد
 فوج چو در جهان خرد خرد
 لب لب در کشت خرد خرد
 داشت در جوش خرد خرد
 شادمان خرد خرد خرد
 در این دره خرد خرد
 خرد خرد خرد خرد
 خرد خرد خرد خرد
 خرد خرد خرد خرد

[illegible]

گفت با من و این است
 رفت در قفس چه نام
 نیز عشق است که سر
 می بیند عشق را
 این برکت این عشق را
 سر ز سر زده بیدار
 عودستان را بستاند
 نامستان از نامستان
 آتش نامستان را بستاند
 سرش را به سرش
 جان تو را بستاند
 نام بستاند سر را

می نام خدای چشم پریشان
 می کشد آواز پریشان
 دانه امده که درینست
 بشمارش بشمارش
 چه خرم که چو پند
 جو پند
 اینست که چو پند
 چشم اول یک دانه چشم
 درم نام جو
 شخ دور است در سایه
 در کلبه بی اول کلبه
 یک دانه در آیه ای زار
 حاجی هست از هزاران زار

بسمه ارحم الراحمین	بسمه ارحم الراحمین
الحمد لله رب العالمین	الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی من لا نبي بعده	والصلاة والسلام علی من لا نبي بعده
بسم الله الرحمن الرحيم	
ای تو سپه دهن دهن دهن	در خسته دهن دهن دهن
دهن دهن چه کج سیدی	درا کج سیم دهن دهن
عالم سنی کج کج کج	جه را دهنی کج کج
آفتاب دهن دهن دهن	پنج کج کج دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
یک دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن

۱۹

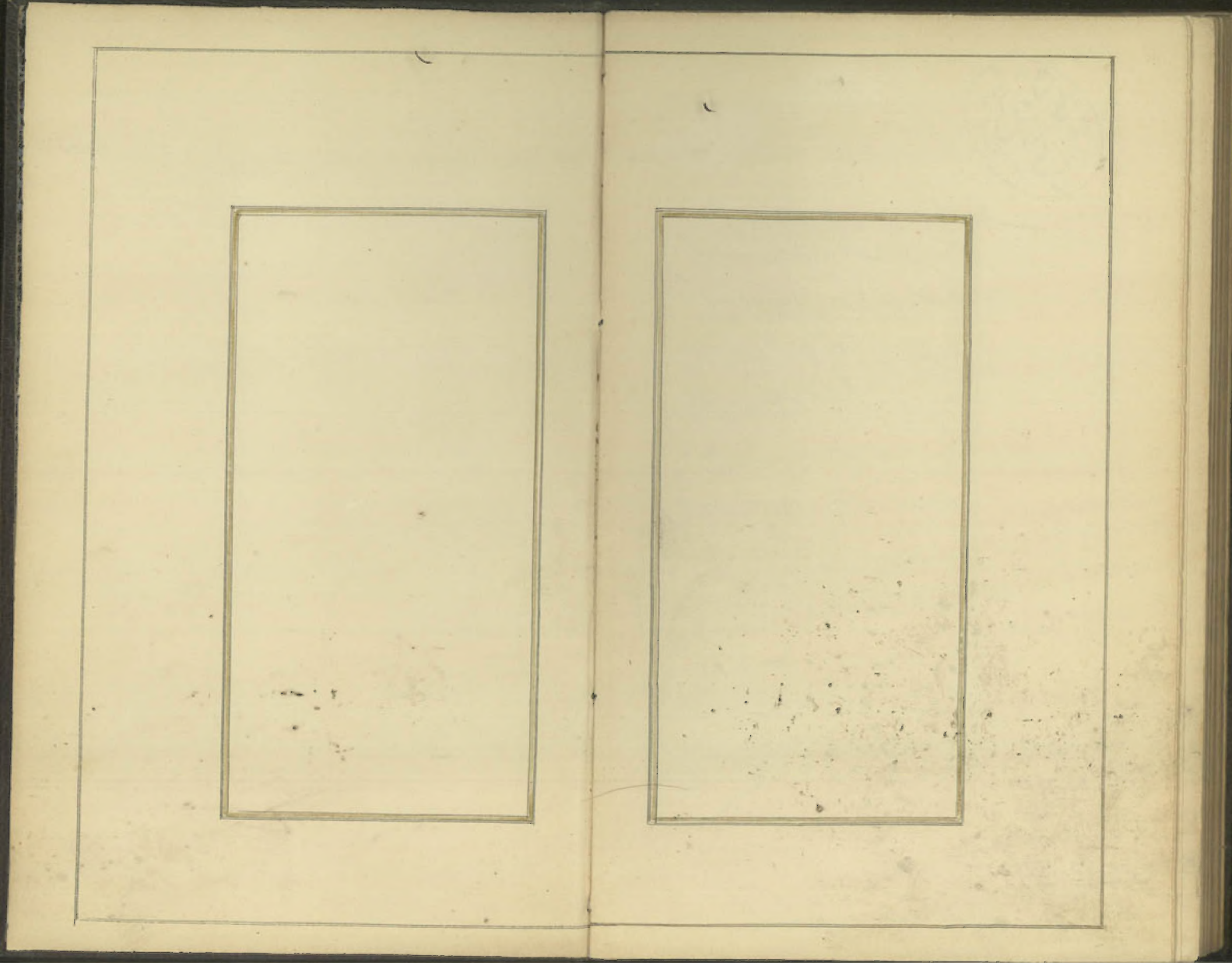
ای تو سپه دهن دهن	در خسته دهن دهن
دهن دهن چه کج سیدی	درا کج سیم دهن دهن
عالم سنی کج کج کج	جه را دهنی کج کج
آفتاب دهن دهن دهن	پنج کج کج دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
یک دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن
دهن دهن دهن دهن	دهن دهن دهن دهن

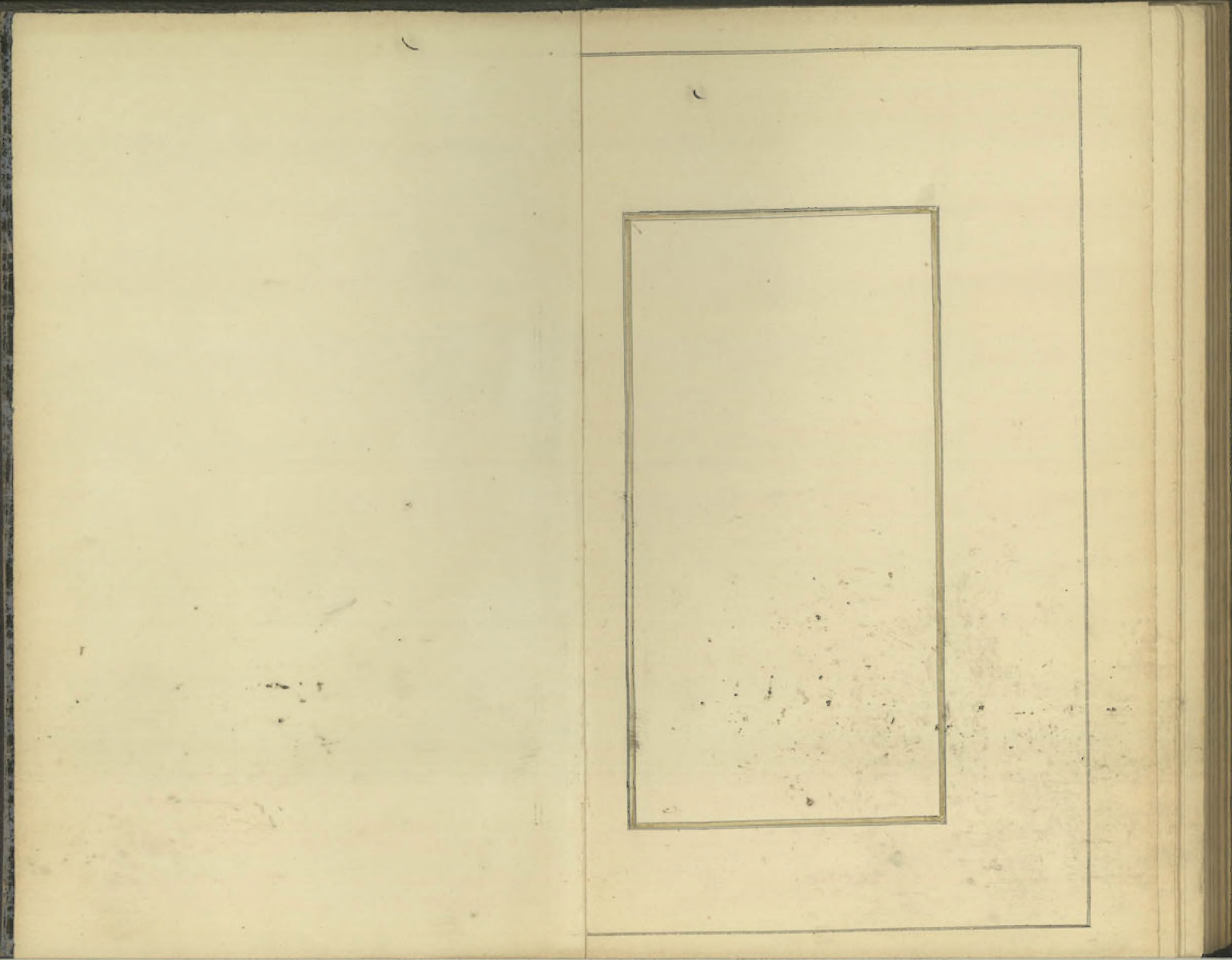
کس میباید که در این	بهر دولت در این
دست نیست در این	در این دست
دست آید که در این	بست به در این
خاتم نه در این	صفت هر چه در این
نشان در این	صفت در این
حاکم در این	در این حاکم
سر بر سر است	در این سر
مست آید که در این	در این مست
بهر چه در این	در این بهر چه
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست

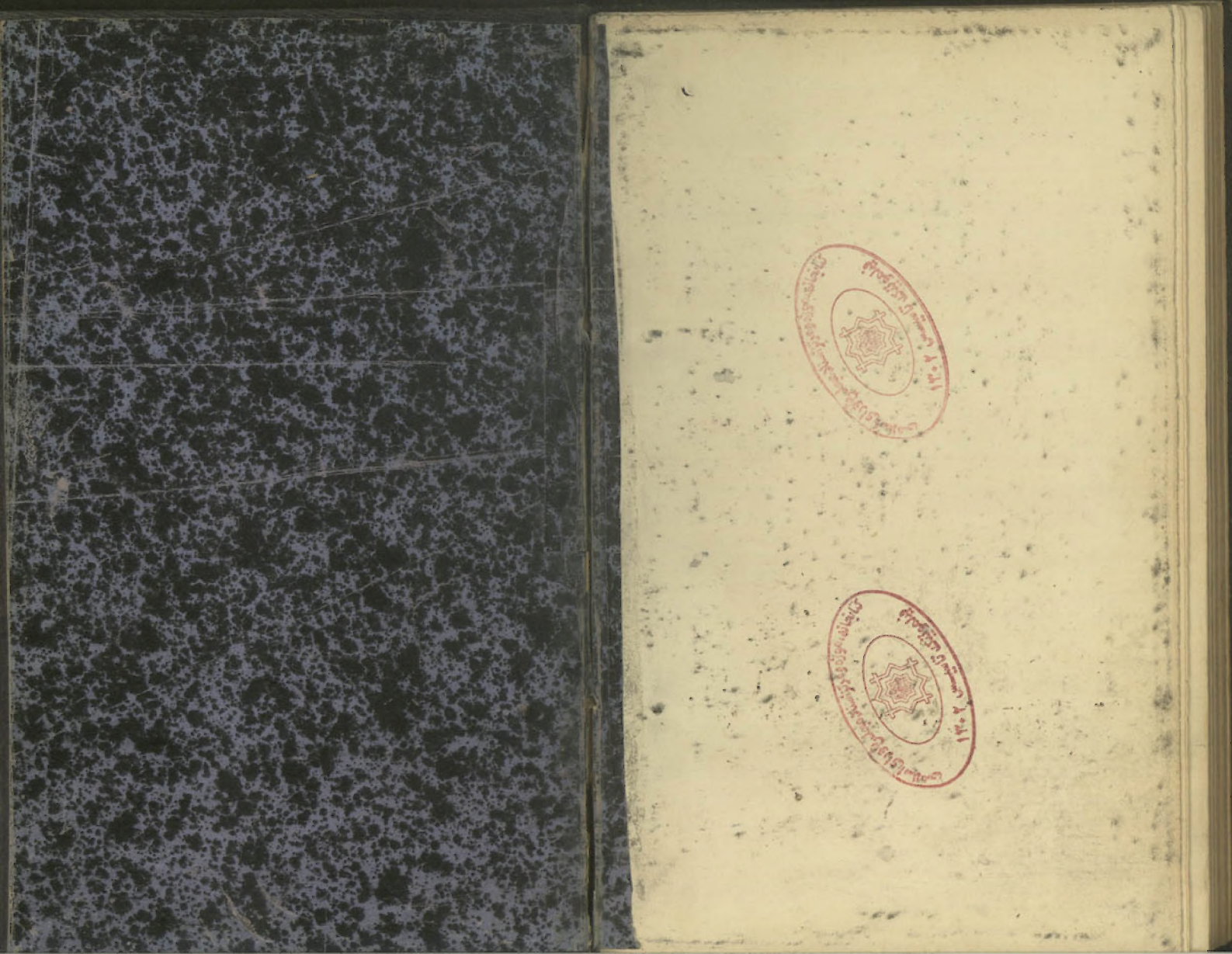
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست

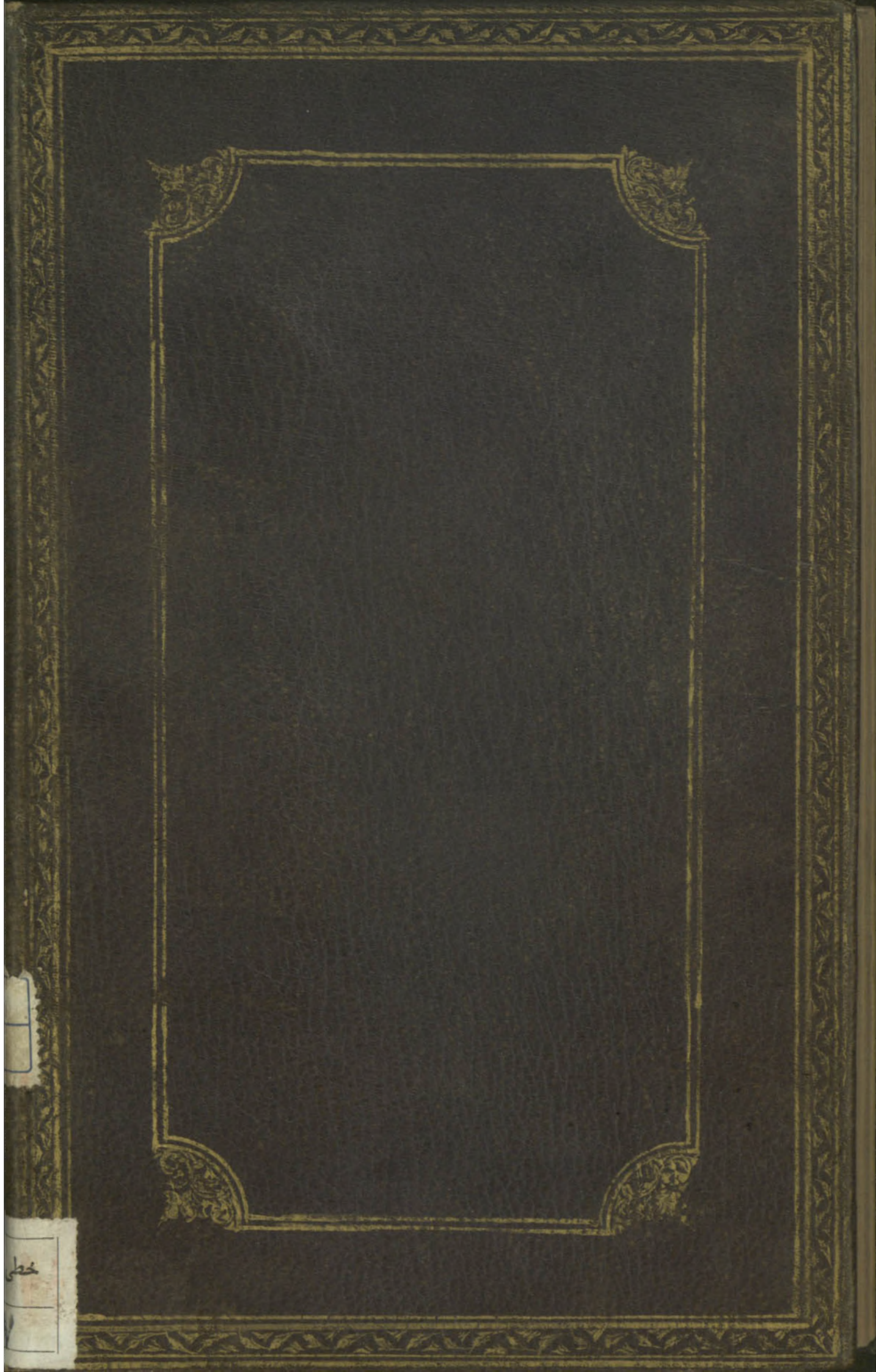
در این دست

در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست
در این دست	در این دست









خطی